



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 38
Spring 2024

Pages: 23-61

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.57558.2452

Received: 2023/07/15 Received in revised form: 2023/09/15 Accepted: 2023/10/16 Published: 2024/03/30

A Comparative Study of Kurdish, Turkish, and Turkmen oo msssss sssssss ss sss sssss ss ssss ssss ee eee Current Century

Zohreh Amiri Farutagheh¹ Tahereh Azimzadeh Tehrani² Shahrbanoo Delbari³

Abstract

The garment is one of the cultural symbols of any ethnic group, and a scarf is the most distinctive one of them. Due to the habitat of various ethnic groups of Kurds, Turks, and Turkmen, the northern region of Khorasan has a special cultural diversity, affecting men and women's clothing in this region. Regarding the variety of ethnic groups in the region and their importance, the present paper seeks to study, compare, and investigate the commonalities and differences in scarves of Kurd, Turk, and Turkmen women. The study uses a descriptive-analytical method and desk study and if necessary, makes observations and conducts oral interviews with informed people and specialists in the field of clothing. Investigating the references, resources, and oral interviews indicates the diversity of women's scarves in the north of Khorasan with special local names. Every three ethnicities wear shawls and Taqiyah with different designs and cheerful colors, especially red. Some scarves, such as Diklichek (Tabarlik) are mostly used by Turkmen women, and Lichak is also worn by a tribe of Kurds. The results indicated that due to higher communications among the ethnicities and cultural relationships, their scarves have higher similarity and vary in terms of decoration and naming.

Keywords: Women's headscarf, North Khorasan, design, Turkmens, Kurds, Turks.

1. Ph.D Candidate in History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University of Mashhad, Iran a46a92@yahoo.com

2. Associate Professor, Islamic Azad University of Mashhad, Iran (Corresponding Author) ta_azim@yahoo.com

3. Assistant Professor, Islamic Azad University of Mashhad, Iran tarikh-2003@yahoo.com



بررسی سرپوش زنان گُرد، ترک و ترکمن شمال خراسان

در سده اخیر

زهرا امیری فروتنقه^۱ | طاهره عظیم‌زاده طهرانی^۲ | شهربانو دلبری^۳

چکیده

یکی از نمادهای فرهنگی هر قومی، تن‌پوش آنان است که از این میان، سرپوش مشخص‌ترین آن‌هاست. منطقه شمال خراسان به‌علت سکونت اقوام گوناگون گُرد، ترک و ترکمن از تنوع فرهنگی خاصی برخوردار است. این تنوع در پوشش مردان و زنان منطقه اثر گذاشته و نمود یافته‌است. مقاله حاضر با توجه به گوناگونی اقوام منطقه و اهمیت آن، درصدد مطالعه، مقایسه و بررسی وجوه اشتراک و افتراق سرپوش زنان گُرد، ترک و ترکمن است. روش پژوهش، توصیفی‌تحلیلی با استفاده از شیوه گردآوری کتابخانه‌ای است. در صورت لزوم به مشاهده پرداخته و با افراد آگاه در زمینه پوشاک، مصاحبه انجام شده‌است. نتیجه بررسی کتاب‌ها، پژوهش‌ها و مصاحبه‌های شفاهی، نشانگر تنوع سرپوش زنان اقوام گوناگون در شمال خراسان با نام‌های خاص محلی است. هر سه قوم معمولاً از شال و عرقچین با طرح‌های منقش و رنگ‌های شاد، به‌ویژه رنگ قرمز استفاده می‌کنند. برخی از سرپوش‌ها همچون دیکلیجک (تبرلیک) بیشتر توسط ترکمن‌ها به کار می‌رود و یا لیچک را یک طایفه از گُردها می‌پوشند. پژوهش همچنین مشخص کرد در سال‌های اخیر با توجه به ارتباط بیشتر میان اقوام و تبادل فرهنگ‌ها شباهت بیشتری در سرپوش اقوام دیده می‌شود و تفاوت بین سرپوش‌ها بیشتر از نظر نوع تزئین و نام آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها: سرپوش زنان، شمال خراسان، گُردها، ترک‌ها، ترکمن‌ها.

a46a92@yahoo.com

ta_azim@yahoo.com

tarikh-2003@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

مقدمه

جمعیت شمال خراسان از نظر شکل و سبک زندگی، به دو گروه یکجانشین و کوچ‌نشین تقسیم می‌شوند که طی دوره‌های متفاوت و با توجه به اعمال سیاست‌های حکومتی، از جمعیت کوچ‌نشین آن کاسته شد و اقوام ساکن در این محدوده، به یکجانشینی روی آوردند. در این منطقه با وجود قومیت‌های گوناگون همچون گُرد، ترک، ترکمن، تات و بلوچ، تنوع فرهنگی خاصی وجود دارد. یکی از نمودها و جلوه‌های شاخص این فرهنگ، پوشش‌های خاص گروه‌های قومی است که تحت تأثیر عوامل مختلف اقلیمی و جغرافیایی، زیستی، اقتصادی، اعتقادی و دینی به تدریج شکل گرفته‌است و امروزه به‌عنوان یک نماد، گنجینه‌ای ارزشمند از شناخت عناصر فرهنگی و نشانه‌ای و دیرینگی آن اقوام، به‌عنوان ارزش‌های میراث ناملموس، توسط افراد قوم به نسل‌های حاضر و آینده منتقل می‌شود. به علت عدم اطلاعات از پوشش زنان در آثار مکتوب قرون گذشته تأکید این پژوهش از نظر زمانی بر روی سده اخیر است و چون پرداختن به تمام بخش‌های پوشاک در یک مقاله مقدور نبود، در این مطالعه تنها به بررسی سرپوش زنان گُرد (کُرمانج)، ترک و ترکمن شمال خراسان پرداخته شده‌است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بهره‌مندی از مستندات کتابخانه‌ای انجام گرفته‌است. همچنین با مراجعه به افراد آگاه در زمینه پوشاک، اطلاعات ارزشمندی به دست آمد. برای کامل شدن این پژوهش، در زمینه پوشاک، با کهن‌سالان محلی مصاحبه صورت گرفت. برای مصاحبه، مشاهده و بررسی نمونه لباس‌های طوایف گُرد، ترک و ترکمن به مشهد، کلات، جرگلان، علی‌آباد، گیفان و جاجرم سفرهایی انجام شد. این سفرها در دستیابی به فرم، طرح و رنگ سرپوش اقوام کمک بسیار کردند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در چند دهه اخیر با موضوع پوشش اقوام شمال خراسان انجام گرفته که شماری از آن‌ها در قالب کتاب و مقاله، تدوین و منتشر شده‌است؛ اما فقط شمار

ندکی از این پژوهش‌ها به معرفی سرپوش‌های زنان اقوام ایرانی پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکردی متفاوت و با در نظر گرفتن دو مؤلفه زنان و سرپوش‌های سنتی زنان سه قوم کُرد، ترک و ترکمن شمال خراسان با بهره‌گیری از مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط و نیز مشاهده، مصاحبه با کهن‌سالان محلی، سرپوش زنان را از نظر فرم، طرح و رنگ، مقایسه کرده‌است. در زمینه سرپوش زنان، سهیلا شهشهانی (۱۳۷۴) در کتاب «تاریخچه پوشش سر در ایران» به انواع سرپوش در تاریخ ایران پرداخته‌است و اشاره‌ای به چند استان کشور دارد؛ ولی سرپوش قومیت‌ها مورد توجه و پژوهش ایشان نبوده‌است. در زمینه پوشاک اقوام نیز کتاب‌ها و مقالاتی منتشر شده‌است، همچون جلیل ضیاءپور در کتاب «پوشاک ایله‌ها، چادرنشینیان و روستائیان ایران» که اشاره‌های مفیدی در زمینه سرپوش زنان کُرد، ترک و ترکمن به‌طور کلی دارد؛ ولی توجه خاصی روی سرپوش اقوام شمال خراسان ندارد. همچنین سارا وطن‌دوست (۱۳۹۴) در کتاب «پوشاک و زیورآلات عشایر کرمانج خراسان»، تنها به موضوع پوشاک مردان و زنان طوایف مختلف کُرد خراسان (با چاپ تصاویر در رابطه با هر طایفه) پرداخته‌است. مقاله «نقش و رنگ در پوشاک زنان ترکمن» پژوهش زهرا قوی‌پنجه (۱۳۹۴) فقط به نقش و رنگ انواع پوشاک زنان در قوم ترکمن پرداخته‌است. همچنین کتاب «آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران» اثر حسین یآوری و شیدا سرخوش (۱۳۸۹) که تکیه بر هنر پوشاک در میان اقوام مختلف معاصر ایران دارد و به هنر پوشاک اقوام ایرانی همچون کُرد، بلوچ، بختیاری و ترکمن اشاره کرده‌است ولی تمرکز آن بر روی اقوام شمال خراسان نیست. «پوشاک ایرانیان» پژوهش پیمان متین (۱۳۸۳) بیشتر به توصیف پوشاک، از جمله سرپوش مردم مناطق مختلف ایران پرداخته‌است. «دیده و دل و دست» اثر ناهید امیدی (۱۳۸۲)، پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان است و اطلاعات ارزشمندی در این باره ارائه داده علاوه بر آن، به طرح‌ها و نقش‌مایه‌ها نیز توجه نشان داده‌است و به پوشش مردم خراسان به‌طور کلی پرداخته‌است. «پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن» اثر را مونا محمدی (۱۳۸۸) به بررسی پوشاک زنان، مردان و کودکان ترکمن با تمرکز بر ناحیه ترکمن صحرا پرداخته‌است و اشاره‌ای به پوشاک دیگر اقوام ندارد. فهیمه لامی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مطالعه مردم‌شناختی سنتی زنان روستای لایین نو»، تنها به پوشاک منطقه لایین نو در تاریخ معاصر پرداخته و مقایسه‌ای با

اقوام دیگر نداشته‌است. همچنین در زمینه پوشش سر در دوره تیموری و صفویه مقاله‌هایی همچون «بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموریان» به قلم سوگل یوسف‌پور و ابوالحسن فیاض‌انوش (۱۳۹۵) و «بررسی انواع پوشش سر مردان و زنان در دوره صفوی» (۱۳۹۹) نوشته ملیحه تقوی باغان منتشر شده‌است؛ ولی در این نوشته‌ها و پژوهش‌ها به سرپوش زنان شمال خراسان توجه نشده‌است. امتیاز پژوهش حاضر این است که سرپوش زنان سه قوم گُرد، ترک و ترکمن را با مراجعه به نوشته‌ها و مصاحبه با کهن‌سالان محلی، مطرح و سرپوش آن‌ها را از نظر فرم، طرح و رنگ مقایسه کرده‌است.

۱. معرفی جامعه مورد مطالعه

شمال خراسان شامل دو استان خراسان شمالی و بخش‌های شمالی استان خراسان رضوی است که از شمال، شرق به کشور ترکمنستان، از شمال غرب به استان گلستان، از غرب به استان سمنان و از جنوب به استان خراسان رضوی محدود می‌شود. اقوام متعددی در شمال خراسان واقع در شمال شرق ایران زندگی می‌کنند. اقوام عمده در این منطقه شامل گُردهای گُرمناج، ترک‌ها، تات‌ها^۱ و ترکمن‌ها هستند.

گُردهای گُرمناج^۲، از قدیمی‌ترین قبایل بزرگ آریایی‌اند که در اوایل دولت صفوی برای جلوگیری از تاخت‌وتاز ترکمانان و ازبکان به مرزهای شمال ایران انتقال داده شدند (توحیدی، ۱۳۹۶: ۱۱-۲۳). گُردها در دوره قدرت‌یابی صفویان، از شاه اسماعیل صفوی حمایت کردند و به همین جهت همواره مورد توجه ویژه پادشاهان این سلسله بودند (روملو، ۱۳۵۷: ۱۳۸). گُردهای گُرمناج، در منطقه شمال خراسان شامل دو استان خراسان شمالی و خراسان رضوی ساکن‌اند. آن‌ها عمدتاً در شهرستان‌های چناران، قوچان، کلات، درگز، فاروج، شیروان، بجنورد، مانه و سملقان، اسفراین، نیشابور و سبزوار زندگی می‌کنند. البته کرزن معتقد است از پنج مرکز اصلی گُردها در خراسان فقط سه شهر باقی‌مانده قوچان، بجنورد و درگز است (کرزن، ۱۳۸۸: ۱۵۲). گُردهای گُرمناج خراسان هم به شکل کوچ‌نشینی و هم به شکل یکجانشینی در روستاها و شهرها سکونت دارند. در سفرنامه خراسان نوشته ناصرالدین‌شاه قاجار به طایفه گُرد خراسانی که در قوچان، بجنورد و شیروان سکونت دارند اشاره شده‌است (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۱: ۱۳۶).

گروه قومی دیگر ترک‌ها هستند که سرزمین اصلی آن‌ها در آسیای مرکزی در ناحیه میان کوه‌های آرال و آلتایی بوده‌است و بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، همواره به کشورهای همسایه مهاجرت کرده‌اند (یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۵). مهاجرت قبایل ترک به ایران از نیمه قرن پنجم هجری آغاز شد. اشیپولر نیز بیان می‌کند مهاجرت ترکان به ایران اثر خود را تا به امروز بر جای نهاده‌است. به‌وسیله آنان ماوراءالنهر یک مملکت تقریباً تمام ترکی گشته و آذربایجان به‌صورت یک منطقه نزدیک به تمام ترکی‌شده‌ای درآمد‌است و در سرزمین فارسی‌زبان قطعات اراضی کم‌ویش بزرگ ترکی‌نشینی وجود دارد (اشپولر، ۱۳۷۹: ۴۵۳). به‌طورکلی ترک‌های شمال خراسان پس از تات‌ها از قدیمی‌ترین ساکنان خراسان به‌شمار می‌روند. اصل و نسب برخی از آنان به دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان می‌رسد. ترک‌های گرایلی و بغایری نسب خود را به مغولان می‌رسانند. ترکان تاتار و تمرتاش که توسط تیمور به خراسان آورده شدند، خود را از ترکان شامات می‌دانند و افشارها، بیات‌ها و قاجارها اصل و نسب خود را به ترکان آذربایجان می‌رسانند که برای دفاع از مرزهای خراسان در برابر هجوم ازبک‌ها به خراسان کوچ دادند (رحمتی، ۱۳۹۶: ج ۱/ ۶۲). در دوره صفویه به‌خاطر مسئله قدرتمند کردن نواحی خراسان به‌ویژه شمال خراسان در برابر تهاجم ازبک و دشمنان صفویه، تغییر و ترکیب جمعیتی شمال خراسان مورد توجه قرار گرفت در دوره شاه اسماعیل، گروهی از طایفه افشاریه به شمال خراسان کوچ دادند. در دوره شاه‌عباس تعداد بیشتری از این طایفه به خراسان، به‌ویژه ناحیه ایپورد، درگز و کلات انتقال داده شدند که بعدها نادرشاه افشار از میان همین جماعت برخاست. ایل افشار ابتدا در نواحی آذربایجان، آناطولی و غرب ایران ساکن بودند که توسط شاهان صفوی به خراسان آورده شدند (سعیدیان، ۱۳۷۵: ۵۰۳). سیاح و سفرنامه نویس دوران قاجار ادوارد بیت^۱ ساکنین بخش‌هایی از خراسان به سمت شهرستان کلات را ترک‌هایی می‌داند که در دوره مغولان به این منطقه مهاجرت کرده‌اند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۳۹). مهم‌ترین مناطق ترک‌نشین در خراسان عبارت است از: بجنورد، شیروان، فاروج، قوچان، کلات و درگز (قلی‌زاده مزرجی، ۱۳۹۰: ۵۷). ترک‌های شمال خراسان از یک ایل بزرگ، سی طایفه و پنجاه‌وهشت تیره

۱. (۱۲۶۵-۱۳۵۹ ه. ق / ۱۸۴۹ م - ۱۹۴۰ م)

تشکیل می‌شوند (رحمتی، ۱۳۹۶: ج ۱/ ۶۴).

ترکمن‌ها قوم دیگر ساکن در شمال خراسان، یکی از اقوام ترک‌تبار آسیای میانه هستند که به زبان ترکمنی از زبان‌های ترک‌تبار شاخه اغوز غربی سخن می‌گویند. روند مهاجرت ترکمن‌ها از اوایل قرون اسلامی تا قرن پنجم ادامه داشت و آن‌ها تا سال ۵۰۰ هجری قمری خود را به سواحل دریای خزر رساندند؛ مهاجرت ترکمن‌ها به سمت اترک و گرگان در قرن نهم هجری آغاز شد. پس از مدتی ترکمن‌های ساریق ارساری و سالر به جلگه‌های اطراف قوچان و بجنورد روی آوردند (گلی، ۱۳۶۶: ۲۰). آن‌ها در دشت‌های وسیع کنار رود گرگان و اترک که به دریای خزر- در ساحل جنوب شرقی- می‌ریزد، سکنی گرفتند و اکنون تا حدود بجنورد و مشهد در خراسان پراکنده‌اند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲). ترکمن‌های شمال خراسان به شش طایفه تقسیم می‌شوند: گوگلان، یموت، تکه، ارسای، یازر و نخورلی. پس از انقلاب روسیه (۱۹۱۷ م)، گروهی از ترکمن‌های آن ناحیه به نواحی ترکمن‌نشین ایران مهاجرت کردند که به آن‌ها بلیش^۳ می‌گویند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۴). طایفه گوگلان بیشتر در نواحی کوهستانی گرگان و بخشی از آن‌ها در بجنورد و طایفه تکه در ترکمنستان شوروی اقامت دارند عده‌ای از آنان در اطراف گنبدکاووس و جرگلان بجنورد سکونت دارند شمال بجنورد در کوهستان‌ها، روستاهای تکه (گروه‌های توختامیش بیک و وکیل، اتامیش و بخش)، نخورلی، مخیلی... هستند (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۳۰۰-۳۰۱). امروزه ترکمن‌های خراسان شمالی از یک ایل، بیست طایفه و بیست‌وهفت تیره تشکیل شده‌اند.

۲. انواع سرپوش زنان

۲-۱. سرپوش زنان گُرد: گُردمانج‌ها دارای مجموعه غنی و متنوع از عناصر فرهنگی و انواع مهارت و فنون تهیه زیورها شامل پوشاک، انواع دست‌بافته‌ها و هنرهای دستی هستند. پوشاک گُردهای خراسان، دارای فرم و هنجارهای پوششی ویژه خود است که آنان را از گُردهای غرب ایران متمایز می‌کند. زنان، به‌عنوان نیمی از جامعه گُردهای خراسان، در طول تاریخ ایران نقش مهمی در تولید، ترویج و حفظ پوشاک سنتی خویش داشته‌اند و در حال حاضر همچنان از پوشاک سنتی گُردمانجی در جشن‌ها، مراسم و آیین‌هایشان بهره می‌برند. پوشاک زنان عشایر گُردمانج که بیشتر به عشایر قوچانی مشهور هستند، دارای

ویژگی‌های خاص خود است که آنان را از زنان روستایی متمایز می‌کند. خاستگاه اصلی عشایر کُرد خراسان، شهرستان قوچان است که در یک سده اخیر در سراسر شمال خراسان پراکنده شده‌اند. عشایر کوچ‌نشین را می‌توان در بُنه‌های عشایری و بیلاق‌ها و قشلاق‌های اطراف شهرستان‌های چناران، قوچان، درگز، کلات، شیروان، بجنورد، مانه و سملقان، اسفراین، نیشابور و درگز مشاهده کرد. هرچند بخش بزرگی از آن‌ها در چند دهه اخیر در این شهرها ساکن گشته‌اند، همچنان گروه چشمگیری از آنان به زندگی کوچ‌نشینی ادامه می‌دهند (مجدی، عربی و شادکام، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

تحرک و پویایی خاصی در میان زنان روستایی و عشایر برای تأمین خانواده وجود دارد و آن‌ها برای انجام دادن همه فعالیت‌های خود، پیش از طلوع آفتاب کار و تلاش خود را آغاز می‌نمایند. بخش بسیاری از کارهای تولیدی و همه کارهای خانه را زن‌ها انجام می‌دهند. پاپلی یزدی درباره نقش اقتصادی زنان در میان کوچ‌نشینان کُرد چنین می‌نویسد: «مرد کوچ‌نشین که زنی در کنارش نباشد هرگز نمی‌تواند گله خود را اداره کند و حتی قادر به ادامه زندگی سنتی کوچ‌نشینی نخواهد بود. (پاپلی یزدی، ۱۳۷۱: ۴۹۲). در چنین شرایطی سرپوش زنان کُرم‌مانج باید به شکلی روی سر بسته می‌شد تا برای انجام دادن فعالیت‌های گوناگون روزانه آن‌ها مانعی نباشد. اجزای سرپوش زنان عشایر کُرد عبارت است از:

- **که‌وَن (kewn):** جزء اصلی سرپوش زنان کُرد، به‌ویژه زنان عشایر قوچانی که وُن نامیده می‌شود که مستطیل‌شکل و با ابعاد یک‌ونیم در دو متر است؛ بلندی آن نسبت به قد زن‌ها ممکن است اندکی بیشتر یا کمتر شود. جنس که وُن بیشتر از حریر روشن گل‌دار با نقش طاووس در حاشیه آن است (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸). این شال با توجه به عرض پارچه، دوتکه است که برای دوخت آن دو تخته پارچه را کنار هم دوخته می‌شود تا به شکل سه‌گوش و لچکی استفاده شود و پس از بر سر نهادن، یک گوشه آن را به زیر دستمال سر فرومی‌برند (وطن‌دوست، ۱۳۹۴: ۴۴). مشهورترین و محبوب‌ترین که وُن، که وُن طاووسی است (عکس ۱-۱).

عکس ۱-۱. که وُن.^۱

نقش طاووس‌ها در حاشیه شال به شکلی است که پس از بستن که وُن بر سر، حاشیه نقش طاووس، از پشت، روی دامن می‌افتد و جلوه زیبایی پیدا می‌کند (شادکام، مصاحبه، ۲ آبان، ۱۴۰۰). تصویر طاووس‌ها ریزه‌کاری زیادی ندارد و همیشه با تاجی که بر سر طاووس هست قابل‌شناسایی است (کاظم‌پور و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۳). نقش طاووس نماد و نشان‌دهنده تجمل و اشرافیت و شکوه و جلال است (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۲). این نقش قبل از اسلام نیز مورد توجه بوده‌است (دادور و منصور، ۱۳۹۰: ۱۱۴ و ۱۱۵). احتمالاً بیشتر زنان شیک‌پوش آن را سر می‌کردند.

انواع دیگر که وُن دارای نقش گل و شکوفه است. مشاهده حضوری و مصاحبه با آقای

۱. عکس‌ها از نگارنده است.

ایزانلو فروشنده لباس‌های کُردی (ایزانلو. مصاحبه، ۳ اردیبهشت، ۱۳۹۸) این نکته را تأیید می‌کند که رنگ زمینه بیشتر که وُن، سفید یا شیری‌رنگ است که با ترکیب نقش گل و شکوفه و یا طاووس، زیبایی خیره‌کننده‌ای می‌یابد. برای بستن این سرپوش، یکی از لبه‌ها را به مقدار اندکی به داخل تا می‌کنند و روی سر می‌گذارند و سپس دستمال ابریشمی را به شکل سربند روی آن می‌بندند. در گذشته زنان عشایر قوچانی همراه با این سرپوش، کلاه تزئین شده با سکه و گار^۴ را نیز استفاده می‌کردند که امروزه رواج چندانی ندارد (شادکام. مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸). سرپوش زنان نیز مانند مردان دستخوش تغییراتی قرار گرفته‌است (سیف‌علی و فهیمی‌فر، ۱۳۹۷: ۱۰۳).

- **دستمال هفت‌رنگ** (Dest male haft rang): جزء دیگر سرپوش، دستمال ابریشمی هفت‌رنگ (به ابعاد تقریبی ۵۰ در ۵۰ سانتی‌متر) است که بیشتر دختران و زنان جوان به کار می‌برند. زنان مسن‌تر از دستمال‌های ابریشمی ساده‌تری استفاده می‌کنند که شبیه دستمال‌یزدی است (عکس ۱-۲).



عکس ۱-۲. دستمال هفت‌رنگ.^۱

زنان پس از گذاشتن که وُن روی سر، این دستمال را سه‌گوش می‌کنند روی سر قرار می‌دهند به طوری که لبه که وُن روی پیشانی از زیر آن پیدا باشد. دو گوشه دستمال را به پشت سر می‌برند و در جهت مخالف روی پیشانی برمی‌گردانند و گره می‌زنند. سپس لبه که وُن را به پشت سر می‌برند و از سمت مخالف صورت، به زیر لبه دستمال می‌برند و می‌کشند و در پشت سر رها می‌کنند. معمولاً زنان عشایر دنباله آویزان بلند که وُن را از پشت سر، از

۱. عکس از نگارنده است.

درون کمربند جلیقه می‌گذرانند، به طوری که کمربند گل‌دار جلیقه، روی که وُن قرار می‌گیرد و نمود بسیار زیبایی پیدا می‌کند. معمولاً زنان و دختران عشایر دسته‌ای از موی روی پیشانی را که که‌چه‌ک (که‌جه‌ک kačak/kajak) نامیده می‌شود، برای زیبایی از زیر که وُن بیرون می‌گذارند. همچنین در گذشته، زنان علاوه بر موی روی پیشانی، دسته‌ای از موهای روی هر دو شقیقه را که بَسک (besk) نامیده می‌شود، با پنس‌های رنگی تزئین می‌کردند از زیر که وُن بیرون می‌گذاشتند و باقی موها را به شکل دو یا چند بافته و سر بافته‌ها را با مژه‌های آبی‌رنگ و منگوله‌های ابریشمی تزئین می‌کردند که از زیر که‌وُن‌های نازک گل‌دار، جلوه بسیار زیبایی داشت (مجدی، عربی و شادکام، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

– **کُم (کلاه) یا عرقچین (kom- araq čin):** عرقچین، بخشی از سرپوش زنان گُرد کرمانج خراسان است که از دیرباز در این میان قوم رواج داشته‌است. در اصطلاح محلی، کُم یا عرقچین، کلاهی کاسه‌ای شکل و دست‌دوز است که نیمه بالایی سر زنان را می‌پوشاند. گردهای خراسان از دیرباز دو نوع عرقچین را مورد استفاده قرار می‌دادند. نوع مرغوب‌تر و پُرکارتر آن، عرقچینی سوزن‌دوزی شده با نخ‌های ابریشمی رنگین است و نوع دیگر که ساده‌تر است از پارچه‌های نخی گل‌دار یا ساده دوخته می‌شود و با یکی دو ردیف نوار تزئین می‌شود. جنس این عرقچین‌ها معمولاً از پارچه‌های نخی قرمز است که روی آن با انواع دوخت‌های ساده یا طرح‌دار، تزئین می‌شود. بروی عرقچین نقش مایه‌های با اشکال هندسی سوزن‌دوزی دیده می‌شود که برگرفته از طبیعت و آداب و رسوم این قوم است. خانم وطن‌دوست اشاره دارند زنان گُرد کرمانج خراسان، از عرقچین به‌عنوان محملی برای آویزان کردن گار یا گوشواره گُردی و سکه‌دوزی و منجوق‌دوزی روی پیشانی استفاده می‌کنند (وطن‌دوست، ۱۳۹۴: ۴۵). (عکس ۱-۳). زنان گُرد کرمانج برای پوشش سر، ابتدا عرقچین را روی سر گذاشته، سپس شال را بر روی آن نهاده و به کمک سربند که دستمالی ابریشمین است، به شیوه خاصی آن را می‌بندند به طوری که آویزهای نقره‌ای که به دو لبه عرقچین دوخته شده، از دو طرف صورت از زیر شال نمایان است. همچنین در جلوی پیشانی، بخش جلویی کلاه که مزین به چند ردیف سکه و قطعه‌ای منجوق‌دوزی است، زیبایی خاصی به چهره زنان می‌دهد. در حال حاضر استفاده از عرقچین به همراه سکه و گار، در میان زنان

کوچ‌نشین از رواج افتاده اما در میان زنان روستانشین کُرمانج، همچنان استفاده از این سرپوش دیده می‌شود (شادکام. مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸). کاری^۱ جهانگرد ایتالیایی که در اواخر دوره صفویه به ایران آمده بود به این نوع سرپوش اشاره می‌کند زن‌های ایرانی کلاهی روی سر می‌گذارند، دور کلاه زنان ثروتمند سکه‌های طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی دوخته می‌شود (کاری، ۱۳۴۸: ۱۳۴).



عکس ۱-۳. کُم (کلاه) یا عرقچین.^۲

– شال (shal): از صنایع مهمی که از گذشته‌های دور تاکنون در جغرافیای تاریخی ایران رشد و نمو یافت، شال‌بافی بوده‌است (شعبانی مقدم و دهقان‌نژاد، ۱۳۹۵: ۸۴). اکنون شال‌های گل‌دار پشمی در شهرهایی همچون قوچان، شیروان و بجنورد، جزء اصلی سرپوش

۱. (۱۰۶۱-۱۱۳۸ ه. ق/ ۱۶۵۱-۱۷۲۵ م).

۲. عکس‌ها از نگارنده

زنان روستایی است. این شال‌ها در رنگ‌های قرمز، شیری، سفید، زرد و آبی استفاده می‌شود (مجدی، عربی و شادکام، ۱۳۹۹: ۲۲۸-۲۲۹). معمولاً برای پوشیدن این شال‌ها، یکی از لبه‌های آن را اندکی به درون تا می‌زنند و روی سر قرار می‌دهند؛ سپس یک لبه شال را دور سر می‌پیچانند و در بخش مخالف صورت، زیر لبه شال در کنار صورت محکم می‌کنند (عکس ۱-۴).



عکس ۱-۴. شال.

به جز شال‌های پشمی، شال‌های نخی نیز کاربرد دارد. شال‌های نخی بیشتر سفیدرنگ‌اند و طرح‌هایی همچون گل‌های ریز دارند. در گذشته استفاده از چارقد نیز در میان زنان گُردمانج متداول بود. چنان‌که کنلن چارلز ادوارد بیت، کنسول انگلیس در ایران دوران قاجار، هنگام دیدار با شجاع‌الدوله، حاکم وقت قوچان، به تعدادی بانوی گُردمانج برمی‌خورد که چارقد‌های سفیدی بر سر داشتند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۶۳). بر روی روسری‌های زنان از نقوش گیاهی متأثر از طبیعت استفاده می‌کردند و پارچه‌های گل‌دار را برای روسری و چارقد زنان گُردی انتخاب می‌کردند (عابدی. مصاحبه، ۵ آذر ۱۴۰۱).

لایین روستایی کردنشین در کلات است که زنان آن پوشش ویژه خود را دارند. سرپوش این زنان از نظر اجزا و شکل، با سرپوش زنان عشایر و روستایی مناطق دیگر تفاوت دارد. جز نخست سرپوش زنان لایینی شال پشمی بزرگ مربع شکل (به ابعاد ۱۰۵ در ۱۰۵ متر) است که زمینه سیاه‌رنگ و نقش گل‌های سرخ‌رنگ در حاشیه دارد و به زبان محلی، شار نامیده می‌شود. این سرپوش دارای ریشه‌های بلند سیاه‌رنگ است. زنان ابتدا شار را سه‌گوش کرده و بر سر گذاشته و سپس یکی از لبه‌های را از پشت سر چرخانده و در قسمت مخالف صورت

به زیر لبه شال در کنار صورت می‌برند. جزء دوم سرپوش زنان لایینی، شال نامیده می‌شود. شال، قطعه پارچه‌ای از ابریشم سرخ‌رنگ در ابعاد ۱۰۵ در ۱۰۵ متر است که به شیوهٔ خاصی روی شار، به صورت سربند بسته و لبه‌های آن را در پشت رها می‌کنند. با توجه به عرض کم پارچه‌های ابریشم دست‌بافت، چهار تخته ابریشمی به ابعاد تقریبی سی و هفت سانتی‌متر در یک‌ونیم متر بافته شده و سپس با دوختن چهار قطعه از آن در کنار هم یک شال تهیه می‌شود (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸). (عکس ۱-۵).



عکس ۱-۵. شار. (عکس از خانم گلی شادکام)

- چنگه (čanga): جزء دیگر سرپوش زنان لایینی چنگه است. چنگه نواری پهن به عرض هفت تا ده سانتی‌متر است (عکس ۱-۶).



عکس ۱-۶. چنگه.^۱

۱. عکس از نگارنده است.

زنان لایینی به سه شکل چنگه را تزئین می‌کنند: چنگه سکه‌دوزی، نواری و نقش‌دوزی شده (لامی، ۱۳۹۴: ۱۲۴). زنان جوان از چنگه سکه‌دوزی شده استفاده می‌کنند و زنان کهن‌سال بیشتر چنگه نواری به کار می‌برند. تگه‌های پهن از روی استخوان فک طرفین صورت شروع می‌شود، در قسمت بالا با دو قلاب فلزی به پارچه روسری متصل می‌گردد و روی این نوار پهن از قسمت گوش‌ها به سمت بالا پول‌دوزی شده‌است. جهت سکه‌ها به سمت پایین قرار دارد و گیره یا سوراخ سکه به سمت بالاست، ولی از پایین دوخته می‌شود و دو قلاب در قسمت بالا قرار دارد که به شال زیرین متصل می‌شود و دو قلاب که از پشت سر وصل می‌شود؛ گاهی برای استحکام بیشتر، دور آن را قیطان‌دوزی می‌کنند (امیدی، ۱۳۸۲: ۲۸).

- **روبند عروس:** رسم است بر سر عروس پس از پوشاندن کامل پوشاک او، روبند سرخ‌رنگی می‌اندازند. به گفته افراد محلی استفاده از روبند سرخ‌رنگ سال‌ها بین این قوم رواج داشته‌است (شادکام، مصاحبه، ۲ آبان، ۱۴۰۰). رنگ سرخ تحریک‌کننده و نشاط‌آور است و نماد جشن و سرور است (کوپر، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۶۹). این روبند از جنس ابریشم است که تمام تن عروس را می‌پوشاند و با قطعه تزئینی که معمولاً جنس آن نقره است و سلسله یا زلزله نامیده می‌شود، در قسمت پیشانی و سر بسته می‌شود (عکس ۱-۷).



عکس ۱-۷. روبند عروس.

لیچک در منطقه کلات، عشایر طایفه بریو یا بریوانلو^۵ ابتدا کلاهی به نام لیچک (ličak) را بر سر می‌گذارند. این کلاه به شکل کاسه‌ای از جنس نخ ساخته می‌شود و دو

تکه اضافه نیم‌بیضی‌شکل دارد و روی گوش‌ها قرار می‌گیرد از زیر شال دیده می‌شود (عکس ۱-۸). معمولاً روی این دو تکه را سوزن‌دوزی می‌کنند. زنان برای کامل شدن پوشش سرشان، بر روی این کلاه، شال‌هایی از جنس نخ یا پشم گل‌دار بر سر می‌کنند (شادکام، مصاحبه، ۱۵ مهر، ۱۳۹۸).



عکس ۱-۸. لیچک. (عکس از خانم گلی شادکام)

جدول ۱. سرپوش زنان کُرد شمال خراسان (کُرمانج)^۶

| شماره | نام سرپوش | مدل | رنگ | نقش مایه | جنس | طبقه | اختصاصی یا مشترک |
|-------|----------------------|----------------|--------------------------|---------------------------------------|---------------------|----------------------------|---|
| ۱-۱ | کَه وَن | مستطیل‌شکل | رنگ زمینه سفید، شیری | با حاشیه شکل طاووس یا گل، شکوفه و برگ | حریر نازک | عموم مردم | کُردها (عشاير کوچ‌رو قوچانی) |
| ۲-۱ | دستمال هفت‌رنگ | چهارگوش | هفت‌رنگ و یا ساده تک‌رنگ | خط‌دار | ابریشم | زنان جوان و سال‌خورده ساده | زنان کُرد و ترک با تفاوت‌هایی |
| ۳-۱ | کُم یا عرقچین (کلاه) | کاسه‌ای | گل‌دار یا ساده | نقوش یا دوخت ریز و آویزهای فلزی | ابریشم، نخی یا مخمل | عامه مردم | مشترک در فرم کاسه‌ای زنان ترک و ترکمن؛ اما با نقش‌ها و تزیینات متفاوت |
| ۴-۱ | شال پشمی | چهارگوش گل‌دار | قرمز، شیری، سفید و زرد | گل‌دار | پشمی | عموم | مشترک میان زنان کُرد، ترک و ترکمن |

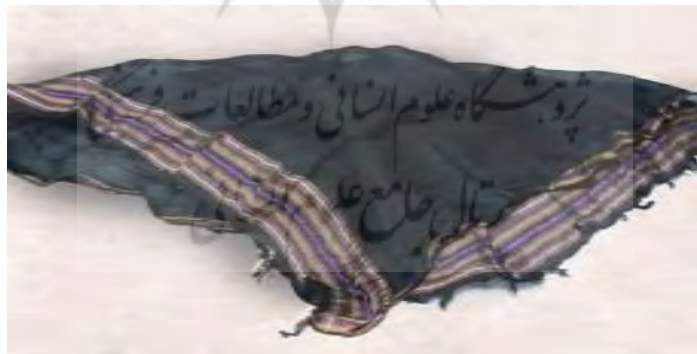
| شماره | نام سرپوش | مدل | رنگ | نقش مایه | جنس | طبقه | اختصاصی یا مشترک |
|-------|------------|---|---------------------------------------|--------------------------------------|------------------------|---|----------------------------------|
| ۵-۱ | شار | چهار گوش و لبه ریشه‌های بلند سیاه | زمینه سیاه | دارای نقش‌های گل در حاشیه و نقش ترنج | پشمی | مخصوص زنان لاین | زنان لاین |
| ۶-۱ | چنگه | مستطیل شکل | رنگی و یا با سکه‌های نقره | نقوش ظریف و سکه | نخ و ابریشم و سکه نقره | زنان جوان و نوعروس‌ها با سکه و زنان سال‌خورده با نوار | زنان گُرد منطقه کلات |
| ۷-۱ | روبند عروس | مربع بزرگ قرمز و دارای تزئین نقره | ساده | حریر | ابریشم | عروس | مشترک زنان گُرد و ترک |
| ۸-۱ | لیچک ličak | کاسه‌ای یا دو قطعه بیضی شکل بر روی گوش‌ها | بخش روی گوش، سوزن‌دوزی شده الوان رنگی | نقش‌های هندسی ظریف | نخ | عشایر بریو یا بریوانلو | عشایر گُرد منطقه هزارمسجد (کلات) |

۲-۲. سرپوش زنان ترک: سرپوش زنان ترک اقوام شمال خراسان شامل عرقچین و شال، قَسْوَه یا قَصَبَه^۷، یاشماق (بِشماق)^۸ و توتوق^۹، اوزتوتار^۹ است که هر یک کاربردی داشت.

- کولته (عرقچین) (kolta-Araqcin): کولته یا عرقچین در اصطلاح محلی غلامان، کلاهی نسبتاً کوچک و دست‌دوز برای نوعروسان و دختران با پارچه قرمز رنگ معروف به تافتا یا ایپی با آستر نخی برای زنان سال‌خورده با پارچه‌های نخی سیاه‌رنگ و بی‌نقش دوخته می‌شود. این نوع عرقچین‌ها دوتکه است. کف آن گرد و دورتادور آن مستطیل شکل است. لبه‌های اطراف و بخش بالایی کلاه‌های ابریشمی برای جوانان و نوعروسان با نخ‌های رنگی ابریشمی نقش‌دوزی می‌شود (روحانی. مصاحبه، ۱۲ دی، ۱۳۹۸). بخش جلوی کلاه عروس‌ها با سکه‌های نقره‌ای (ر. ک سالاریان، ۱۳۹۸: ۸۷) گاهی با منجوق تزئین می‌شود، یعنی سکه‌ها را سوراخ می‌کنند و در بخش جلویی کلاه و در چند ردیف می‌دوزند (عکس ۱-۲).

عکس ۱-۲. کولته (عرقچین).^۱

- ایپی دسمال (Eipey dasmal): دستمال ابریشمی که به رنگ سیاه و چهارگوش است و با نوارهای گاهی سرخ و یا سیاه، در دو سر ریشه و در مناطقی از خراسان روی عرقچین بسته می‌شود؛ یعنی ابتدا عرقچین را روی سر می‌گذارند، و بعد روسری اصلی را می‌گذارند سپس با دستمال ابریشمی روی عرقچین را می‌بندند (حصاری. مصاحبه، ۱۲ مهر، ۱۳۹۸). به نظر می‌رسد ایپی دسمال ترک‌ها شبیه دستمال هفت‌رنگ کُرمانج‌هاست که از نظر رنگ باهم فرق دارد (عکس ۲-۲).



عکس ۲-۲. ایپی دسمال.

۱. عکس عرقچین قرمز از آقای روحانی است.

- **ایپ شال (Eip sal):** همان شال‌های گل‌دار در رنگ‌های متفاوت، با جنس پشم و دورتادور آن ریشه‌های بلند برای نوعروس‌ها از رنگ قرمز استفاده می‌شود (جواهری، مصاحبه، ۱۳ آبان، ۱۴۰۰). همان‌طور که ذکر شد رنگ قرمز سمبل نشاط و حیات و زندگی است (اتین، ۱۳۶۷: ۲۱۴) (عکس ۲-۳).



تصویر ۲-۳. ایپ شال.^۱

- **یای لقی یا یاغلق (چرقت) (Yayleq Yagleq):** زنان ترک از یایلیق یا چارقده، چرقت، از پارچه‌های ابریشمی چهارگوش یا سه‌گوش سفید که بافت قواره‌ای و طرح‌های به خصوصی به خود داشت (عکس ۲-۴). به‌عنوان روسری زنانه استفاده می‌کنند (سالاریان، ۱۳۹۸: ۸۶). روی آن سربندی به نام شاماخی می‌بندد رنگ آن سفید است.



عکس ۲-۴. یای لقی یا یاغلق (چرقت).

۱. عکس از نگارنده است.

به گفته آقای کوهستانی اسبق سو یاغلیق دو نوع است: قواره کوچک و قواره بزرگ. معمولاً هنگامی که عروس را آماده می‌کنند، از هر دو نوع آن استفاده می‌شود و در مواقع دیگر فقط یکی را به کار می‌گیرند آن زمانی است که چرشو (چادرشَب) ابریشمی برای سراندازی استفاده می‌کنند که در آن صورت یاغلیق قواره بزرگ به کار نمی‌آید (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸). رنه دالمانی (۱۸۶۳-۱۹۵۰م) به سرپوشی اشاره می‌کند که زنان پارچه گاز سفید آهاری زده‌ای بر سر دارند که به آن چهار قد می‌گویند این پارچه سروگوش‌ها و اطراف صورت را می‌پوشاند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۹۰).

- چَرشَو، چَرچُ (چادرشَب) (char su-carsow): چَرچُ پارچه‌های چهارگوش با طرح‌های چهارخانه‌ای از جنس ابریشم هستند که در روستاهای ترک‌نشین کلات مرسوم است. یکی از کاربردهای چرشو یا همان چادرشَب، چادر است که گاهی با ابریشم درجهٔ دو بافته و «بابری» چرشو نامیده می‌شد و گاهی با نخ پنبه‌ای که کودری نام داشت (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸). مک گرگر (۱۸۸۷-۱۸۴۰م) در شرح سفری به ایالت خراسان اشاره دارد در سر راه کلات روستای که عده‌ای ترک در آن ساکن‌اند که از بخارا به اینجا آمده‌اند در اینجا زنان عوض جامه آبی یا سفید که سایر زنان ایرانی می‌پوشند یک نوع جامه رنگی چهارخانه در بر دارند (مک گرگر، ۱۳۶۶: ۵۶). چادرشَب در منطقه روستای ایده لیک و رباط، جنس ضخیم و نقش چهارخانه راه‌راه دارد. اگر چادرشَب چهارخانه و با سه رنگ زرد، نارنجی و خاکستری بافته شده باشد، به آن باوری می‌گویند. اگر در بافت آن از رنگ زرد بیشتر استفاده شود، آن را سارله (به زبان ترکی غلبه رنگ زرد بر پارچه) می‌گویند. همچنین به چادرشَبی که رنگ سبز آن بیشتر باشد، آذربانی یا آذربایجانی گفته می‌شود (امیدی، ۱۳۸۲: ۳۰)، (عکس ۲-۵).

عکس ۲-۵. چَرشو، چَرچ (چادرشب).^۱

– قَسْوَه یا قَصَبَه (Ghes sevah): به روسری‌هایی با انواع طرح و رنگ گفته می‌شود که زنان ترک در مناطقی همچون شیروان و شهر غلامان به دور سر عروس می‌بستند. ابتدا این روسری را از دو طرف جمع می‌کردند از قسمت وسط دو گره می‌زدند تا میان آن برجستگی ایجاد شود (روحانی، مصاحبه، ۱۲ دی، ۱۳۹۸). گره باید درست بالای پیشانی و میان دو ابرو و بخش انتهایی موی پیشانی قرار می‌گرفت و پس از آن روی سر عروس شال قرمز ابریشمی یا پشمی می‌انداختند و از پشت شال به آن سنجاق می‌زدند (عکس ۲-۶).

عکس ۲-۶. قَسْوَه یا قَصَبَه.^۲

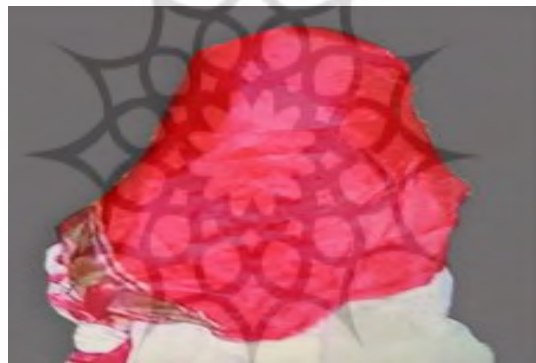
– یاشماق (Yashmaq) (yasmaq): به معنی پوشاندن بخشی از چهره است. یاشماق روسری ابریشمی است که زنان ترک به دور سر و گردن و مقابل دهان خود می‌بستند. زنان

۱. عکس از نگارنده است.

۲. عکس از آقای روحانی است.

صورت خود را با گوشه روسری می‌پوشاندند به‌گونه‌ای که به‌جز چشم‌ها، تمام چهره پوشیده می‌شد. به این عمل یاشماق توتماق می‌گفتند (سالاریان، ۱۳۹۸: ۸۳). آقای کوهستانی اسبق سو درباره یاشماق عنوان می‌کنند یاشماق به‌عنوان یک سرپوش، در اصل تکه‌ای لچکی است که عروس خانم‌های ایلات ترک، بر صورت خود می‌بندند و در نبود آن از گوشه یاغلیق خود استفاده می‌کنند. یاشماق توتماق به‌عنوان رسمی است که عروس خانم‌ها ترک، جهت حفظ حرمت خود و احترام به بزرگ‌ترها و اعضای خانواده داماد، آداب خاص خود را دارد (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸).

- **توتوق، اوزتوتار (tutugh –uz Tutar):** دستمال بزرگ حریری که برای پوشاندن چهره عروس به کار می‌رفت. (کوهستانی اسبق سو. مصاحبه، ۵ آذر ۱۳۹۸)، (عکس ۲-۷).



عکس ۲-۷. توتوق، اوزتوتار.^۱

این دستمال مستطیل شکل ویژه زنان ترک کلات نادری است؛ اما در دیگر مناطق ترک‌نشین، شال قرمز را به شکل چهارگوش روی سر عروس می‌انداختند. به گفته آقای روحانی اوزتوتماق در منطقه غلامان نوعروسان گوشه‌ی روسری صورت خود را در مقابل مادر شوهر، پدرشوهر و برادرشوهر می‌پوشاند و تا هدیه‌ای از این‌ها دریافت کند که متفاوت از یاشماق است (روحانی. مصاحبه، ۱۲ دی، ۱۳۹۸).

۱. عکس از نگارنده است.

جدول ۲. سرپوش زنان ترک شمال خراسان^{۱۰}

| شماره | نام سرپوش | مدل | رنگ | نقش مایه | جنس | طبقه | اختصاصی یا مشترک |
|-------|---------------|---|------------------------|---|-----------------------------------|-----------------------------------|--|
| ۱-۲ | عرقچین | دو تکه: کف آن به گرد و دورتادور آن به شکل مستطیل و یا کاسه‌ای | سیاه و قرمز و مختلف | برای عروس قرمز و رنگی و سال خوردگان سیاه و بی‌نقش گاهی با شکل‌های هندسی | نخ یا ابریشم با استر نخ‌ی رنگارنگ | سال خورده و دختران جوان‌تر و عروس | مشترک در فرم کاسه‌ای آن با زنان اقوام ترک و ترکمن ولی با نقش‌ها و تزئینات متفاوت |
| ۲-۲ | ایپی دسمال | چهارگوش با نوارهای قرمز و یا کامل سیاه و دو سر ریشه | سیاه | حاشیه راه‌راه | ابریشم | سال خورده و میان‌سال | زنان ترک دسمال ابریشم سیاه با حاشیه مشترک میان ترک و گُرد شبیه دسمال هفت‌رنگ کردها |
| ۳-۲ | ایپ شال | گل‌دار ریشه‌دار | رنگ‌های گوناگون و قرمز | گل | پشم | عامه | مشترک میان زنان گُرد، ترک و ترکمن |
| ۴-۲ | یایلیق یاغلیق | چهارگوش و بعد به شکل سه‌گوش و لچکی | گاهی سفید | ساده و سفید | نخ | سال خورده | ویژه تُرک‌ها |
| ۵-۲ | چرشو | چهارگوش با طرح چهارخانه | زرد و نارنجی و خاکستری | چهارخانه و ساده | ابریشم، گاهی از پشم | سال خورده به‌عنوان چادر | مخصوص زنان ترک |
| ۶-۲ | قسوه | چهارگوش روسری | گوناگون | گل‌دار یا ساده هر نوع روسری | نخ | پیشانی عروس، دور سر عروس | ویژه (عروس) زنان ترک |
| | یاشماق | چهارگوش که سه‌گوش کرده یک بخش از آن بر روی دهان قرار می‌گیرد. | مختلف | گوناگون | ابریشمی | عامه | مشترک میان ترک و ترکمن |

| شماره | نام سرپوش | مدل | رنگ | نقش مایه | جنس | طبقه | اختصاصی یا مشترک |
|-------|------------------|--|------|----------|----------------------|----------------------|---|
| ۷-۲ | توتوق، اوز توتار | ساده مستطیل شکل و گاه شال قرمز چهارگوش روی چهره عروس می‌انداختند. | قرمز | ندارد | حریر، گاهی ابریشم | پوشاندن چهره عروس | مشترک میان زنان گُرد و ترک؛ اندازه و طرح متفاوت |

۲-۳. سرپوش زنان ترکمن: کلاه و سربند در میان ترکمن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. کلاه و سربند نه تنها معرف طایفه است بلکه موقعیت زنان ازدواج کرده یا دختران را آشکار می‌سازد. در واقع مهم‌ترین ویژگی پوشاک زنان ترکمن پوشش سر آن‌ها است. در میان زنان ترکمن، سرپوش‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

کلاه (کلاه بوروک - کلاه حصیری، تبرک - کلاه خساوه). پیشانی‌بند، آنق، آل‌دانگی، روسری (چارقد - آل‌پلنگی یا دستمال ابریشمین - چاشو - قی‌قلاچ).

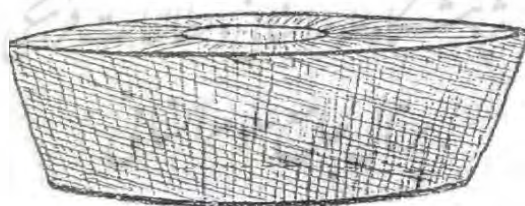
- **کلاه، بورک (طاقیه یا تخیه) (Burk):** کلاه از بخش‌های مهم پوشاک است (کروبی و فیاض‌انوش، ۱۳۹۵: ۱۶۵). دختران کلاه یا عرفچین گرد، صاف و بدون برجستگی را بر سر می‌گذارند که تمام سطح آن با الیاف ابریشمی رنگارنگ دست‌دوزی شده است. در گذشته دختران ترکمن تا پیش از ازدواج این کلاه را بر سر می‌گذاشتند و از روسری استفاده نمی‌کردند، پس از ازدواج این کلاه را از سر برمی‌داشتند کلاه دیگری بر سرشان می‌گذازدند (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). این عرفچین با سکه آویز، زیورآلات نقره‌ای، پولک، قبه آراسته می‌شود. معمولاً در وسط و در بالای کلگی این کلاه، یک قبه نقره‌ای قرار می‌دهند که به شکل مناره یا برج کوچکی است. یادآوری می‌شود که معمولاً عرفچین‌هایی که دختران بر سر می‌گذارند، ساده و بدون زیورآلات است (عکس ۳-۱). معمولاً نقش‌مایه‌های هندسی چون لوزی بر عرفچین نقش بسته است که به گفته شفرد لوزی مظهر نیک‌بختی و پیروزی است (شفرد، ۱۳۹۳: ۳۵۱).



عکس ۳-۱. کلاه، بورک (طاقیه یا تخیه).^۱

به‌طور کلی کلاه دختران پیش از ازدواج به نام‌های تاسه‌ک، تاسرک، طاخیه، طاقیه و یا بوروک نیم‌کره‌ای بوده و هست که گاه سکه‌های نقره‌ای بسیار روی آن‌ها دوخته می‌شود. عرقچین دختران کمی بلندتر از عرقچین مردهای ترکمن است. اکنون دختران ترکمن عرقچین‌های روزانه‌ای بر سر می‌گذارند که هیچ نوع زینتی ندارد و به‌وسیله روسری (چارقد) پوشیده می‌شود (معطوفی، ۱۳۸۳: ج ۳/ ۲۳۰۸).

- **کلاه حصیری، تِبرلک (Teberlek)** یک نوع کلاه بلند حصیری استوانه‌ای یا دوزنقه‌ای شکل و قارچ‌گونه است که در قسمت بالا نسبت به پایین اندکی فراخ‌تر می‌شود و مخصوص زنان طایفه ساریق و تکه است. این کلاه به شکل حلقه‌ای محکم به بلندی ۵ تا پانزده سانتی‌متر است و از موادی همچون کرباس رنگ‌شده، کاغذ، ساقه‌های باریک نی و چوب جارو با دست بافته می‌شود (محمدی، ۱۳۸۸: ۷۹) (عکس ۳-۲).



عکس ۳-۲. قالب کلاه حصیری (تبرلک)^۲

۱. عکس از نگارنده است.

۲. عکس برگرفته از کتاب: محمدی، رامونا (۱۳۸۸)، زیورآلات ترکمن، ص ۸۸.

- **خِساوه** (Khesaveh-Xesaveh): کلاه کهن زنان جوان یموت^{۱۱}، خساوه نامیده می‌شود که یادآور کلاه زنان ساریق است. این کلاه دراز و پشت آن پهن و از جلو دوزنقه بریده‌ای است که هرچه بالاتر می‌رود، تنگ‌تر می‌شود. زنان یموت در بالای خساوه، خلعت ابریشمی به رنگ سبز می‌انداختند که با سکه‌های نقره آراسته می‌شد. خساوه را بیشتر زنان جوان بر سر می‌گذاشتند (لوگاشوا، ۱۳۵۹: ۷۲).

- **پیشانی‌بند** (Pesni band): دختران ترکمن پس از ازدواج به‌جای کلاه از سربندهایی که به‌صورت خاصی دور سر پیچانده می‌شود، استفاده می‌کنند. به سربند زنان عموماً «آلین‌دانگی» گفته می‌شود. نحوه بستن این سربند در میان طوایف مختلف ترکمن متفاوت بوده (رستمی و میر، ۱۳۹۶: ۷۲). ترکمن‌های نخورلی از این پیشانی‌بند بهره می‌برند. پیش از حرکت عروس به خانه شوهر، تاج عروس را بر سر او می‌گذارند. این تاج عروس (آلین‌دانگی) از نی‌های بسیار ریز شبیه جارو بافته شده‌است و به دور آن پارچه‌ای می‌کشند، سپس زیور پیشانی (آلین‌شای) را به آن وصل می‌کنند (گلی، ۱۳۶۶: ۳۱۸). این پیشانی‌بند در میان طوایف گوناگون ترکمن به شکل‌ها و اندازه‌های متفاوتی دیده می‌شود و زنان طوایف با توجه به سن و سال از انواع آن استفاده می‌کنند. در گذشته، نوعروسان در برخی نقاط، از پیشانی‌بندهای بلند استفاده می‌کردند به‌تدریج که به میان‌سالگی می‌رسیدند، به ازای هر سال حدود دو انگشت از ارتفاع آن کاسته می‌شد وقتی کوتاه می‌شد به آن تارک می‌گفتند (محمّدی، ۱۳۸۸: ۸۱). در این مرحله پیشانی‌بند زنان به رنگ سیاه درمی‌آید که نشانه پختگی، کارکشتگی و مجرب بودن آن‌ها است (عکس ۳-۳).



عکس ۳-۳. پیشانی‌بند.

رنگ پیشانی‌بند برای زنان جوان از میان رنگ‌های شاد، به‌ویژه سرخ انتخاب می‌شد که گاهی رنگ آن سفید بود. رنگ قرمز نشان‌دهنده جوانی، طراوت، درخشش و زیبایی، و رنگ سفید نمایانگر تجربه، آرامش، صفا و دوستی، و رنگ سیاه نشانه کهن‌سالی، سکون و غم بود (میرنیا، ۱۳۸۱: ۱۹۹).

– چارقُد، روسری (Carqad): این سرپند دستمالی گاه با زمینه مشکی و یا به رنگ‌های دیگر با نقش‌های درشت به رنگ زرد و نارنجی بود که بر روی آن، روسری بزرگ‌تری تقریباً به اندازه نصف چادر با ریشه‌های بلند و نقش‌هایی از گل‌های رنگین استفاده می‌کردند (سلوکی، ۱۳۸۵: ۲۶؛ رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ یآوری، ۱۳۸۹: ۹۰). رنگ‌های به‌کاررفته همچون رنگ قرمز و زرد که رنگ زرد از رنگ‌های نورانی است که کنایه از آرامش، اتحاد، انرژی، خورشید، برداشت محصول، طلوع و خوشحالی است (گرترو، ۱۳۹۵: ۷۳۵) زنان ترکمن هنگام عروسی و یا هنگام رفتن به بیرون از خانه، علاوه بر یالتی و آلدانگی، از شالی بزرگ (چارقت)، روسری‌ها و سراندازهای بزرگ استفاده می‌کردند که در گذشته از جنس ابریشم بود؛ ولی امروزه به‌جای آن از چیت گل‌دار با ریشه‌های بلند مکرومه‌دوزی شده استفاده می‌شود (رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۲۶۲). چارقدهای ترکمنی در قواره‌های بزرگ و با طرح‌های متنوع، کاملاً جلب توجه می‌کند و زیبایی خاصی به زنان ترکمن می‌بخشد (عکس ۳-۴).



عکس ۳-۴. چارقُد، روسری^۱.

۱. عکس‌ها از نگارنده است.

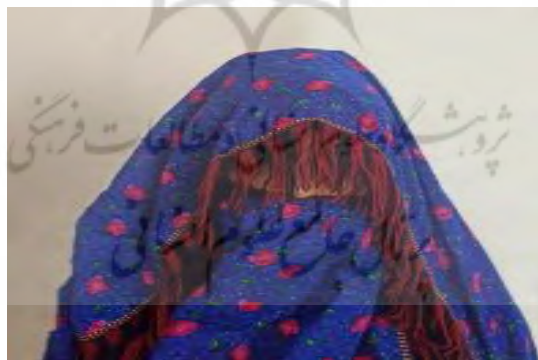
ناهِید امیدی به پنج نوع از این چارقدها اشاره کرده‌است: شبدالی، پاییزی، مریم شال، گوزر و مارال (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۸-۱۸۹). امروزه با وجود رشد شهرنشینی و کم‌رنگ شدن آداب‌ورسوم سنتی در میان ترکمن‌ها، همچنان این چارقدهای بسیار زیبا به کار می‌رود.

از انواع دیگر روسری‌های زنان ترکمن که می‌توان نام برد، دستمال ابریشمی پُرنفش آل‌پلنگی است که روی تبرک به سر گذارده می‌شود و دستمال کلاه از جنس نخ و کلاه حصیری بانوان در آن پیچیده می‌شود. چاشو (چشو) نام روسری گران‌بهای دیگری است که بیشتر در میان زنان طایفه یموت رواج دارد و باید عروس پیش از سوار شدن به خودرو یا مرکب عروسی، بر سر بگذارد. چاشو چهارگوش، با جنس ابریشمی و به رنگ قرمز و گاهی با طرح چهارخانه‌ای با حدود سیزده متر طول و پنجاه سانتی‌متر عرض است (مصلحی جویباری، ۱۳۹۷: ۲۳).

- **قی قاج (Ghe-ghach-qiqac):** سرپوش نقش‌دار سه‌گوش ترکمنی است که گاهی زمینه‌ای ساده با حاشیه سوزن‌دوزی یا از پارچه‌های متنوع با ریشه‌های دست‌بافت قرمز و مشکی است. امیدی درباره استفاده از این سرپوش در میان زنان ترکمن می‌نویسد: «علاوه بر آنکه از نامحرم رخ می‌پوشانند، به احترام کهن‌سالان، مخصوصاً از پدرشوهر و اقوام او رو گرفته در حضور او حتی صحبت هم نمی‌کنند؛ مگر در صورت لزوم. پدرشوهر به پاس اینکه عروسش حرمت او را حفظ نموده، پس از مدتی که معمولاً بیش از پانزده سال است، جشنی ترتیب می‌دهد و هدیه‌ای به نام رونما برای عروسش تهیه می‌کند. پس از آن، عروس با اجازه آن‌ها می‌تواند نقاب از چهره بردارد» (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). در طی مصاحبه‌ای که با خانم ناهید اسپوتنن‌فرد انجام گرفت، ایشان بیان کردند که پس از گذاشتن توپی، پارچه سه‌گوش با ریشه‌های قرمز و سیاه به نام قی قاج گذاشته می‌شود. ادامه قی قاج برای یاشماق به کار برده می‌شود (اسپوتنن‌فرد، مصاحبه، ۸ اسفند ۱۳۹۸). (عکس ۳-۵). یاشماق، دهان و چانه زنان را می‌پوشاند (ابوالقاسمی و ذکرتی، ۱۳۹۷: ۱۴).

عکس ۳-۵. قی قاج.^۱

در بین زنان ترکمن نماد احترام که دنباله قی قاج است و جلوی دهان گرفته می‌شود و انتهای آن به وسیله بند مربوطه بافته شده از نخ و ابریشم یا به وسیله منجوق به تویی وصل می‌شود (عکس ۳-۶)

عکس ۳-۶. یاشماق، یالق.^۲

۱. عکس از نگارنده است.

۲. عکس از نگارنده است.

- **کورتِه یا چیرپی** (Cirpi - Curteh): شل تشریفاتی یا شبه‌آستین‌هایی است که هنوز زنان تکه آن را می‌پوشند و از سمت راست بدن تا زیر بغل سمت چپ می‌افتد. نوعی از آن با آستین‌های گشاد را کورته می‌گویند و به آن بخش آستین‌مانند که آستین نیست، یلک گفته می‌شود و زنان شوهردار بر سر می‌گذارند. جنس آن ابریشمی و دارای طرح‌های زیبایی هندسی به رنگ‌های زرد، سفید، قرمز و سیاه است (اسپونتین‌فرد. مصاحبه، ۸ اسفند ۱۳۹۸). (عکس ۳-۷).



عکس ۳-۷. کورتِه یا چیرپی.

سربند به‌طور کلی با پارچه زرین و طرح‌های نقش‌دار موج پوشانده و آراسته می‌شد و از پارچه‌های ابریشمی، نخی و پشمی به رنگ‌های مشکی، نیلی، زرد و قرمز مورد استفاده بود با نقوش ظریف و ساده و دارای اشکال هندسی زیبا سوزن‌دوزی می‌شدند. رنه دالمانی به همین دلیل عنوان می‌کند هنرمندان ایرانی با سوزن و ابریشم نقش‌های بسیار مطلوبی از شاخ، برگ، گل و اشکال هندسی در روی پارچه می‌اندازند و در ترکیب رنگ‌ها و هماهنگی نقش‌ها دقتی به عمل می‌آورند (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۵۷).

- **تویی** (Topi): نوع دیگری از سرپوش زنان ترکمن است که از یک حلقه گرد سبک از جنس حصیر یا چوب ساخته می‌شود روی سر گذاشته می‌شود. سپس یالِق به آن تویی می‌بندند و زنان متأهل از آن استفاده می‌کنند (اسپونتین‌فرد. مصاحبه، ۸ اسفند ۱۳۹۸) (عکس ۳-۸).



عکس ۳-۸. توپی.

جدول ۳. سرپوش زنان ترکمن شمال خراسان ۱۲.

| شماره | نام سرپوش | مدل | رنگ | نقش مایه | جنس | طبقه | اختصاصی یا مشترک |
|-------|----------------------|---|-------------------------------|---|---|--|--|
| ۱-۳ | بوروک تاخیه | کلاه گرد و کوچک، صاف و بدون برجستگی | زرد و سفید | طرح هندسی | ابریشم | مردم عامه بیشتر جوانان | مشترک در فرم کاسه‌ای با زنان ترک ترکمن؛ با نقش‌ها و تزئینات متفاوت |
| ۲-۳ | تبرلک | حلقه‌ای به ارتفاع دو سانتی‌متر درون پارچه نخ پیچیده روی سر می‌گذارند | ساده به رنگ‌های گوناگون | سوزن‌دوزی نقوش برگرفته از قالی و قالیچه ترکمنی | حلقه توخالی که ممکن از هر جنسی باشد | در طایفه یموت دختران پس از عروسی استفاده می‌کنند. | ترکمن |
| ۳-۳ | آلانگی پیشانی‌بند | پارچه دولایه مستطیلی به عرض ۲۰ سانتی‌متر ریشه‌دوزی دو سر پارچه محکم‌تر و مترکم‌تر | مشکی، سفید، قرمز | قسمت پایین طرح هندسی | در گذشته ابریشمی و امروزه از انواع پارچه‌ای برای قی قاج | نشانه شوهردار بودن همه زنان بعد از عروسی استفاده می‌کنند | ترکمن |

| شماره | نام سرپوش | مدل | رنگ | نقش مایه | جنس | طبقه | اختصاصی یا مشترک |
|-------|-----------------|--|--|---|--|---------------------------------------|-------------------|
| ۴-۳ | چارقد | روسری‌های پشمی گل‌دار ۵.۱ متر ریشه‌های مکرومه به نام پورجک | رنگ‌های گوناگون | نقوش گل‌وبوته و طبیعت و نقش‌های اسلیمی | در گذشته ابریشم و امروزه پشمی | دختران و زنان ترکمن | ترک، کُرد و ترکمن |
| ۵-۳ | قی‌قچ یا یالق | پارچه‌ای سه‌گوش دورتادور ریشه‌دوزی شده. | قرمز بیشتر از جنس ابریشم امروزه رنگ‌های متفاوت | روی پارچه ابریشمی نقش‌هایی به نام‌های بش‌نقیش، اوچ‌نقیش و... | ابریشمی در گذشته و امروزه پشمی و پنبه و کتان | زنان از شب عروسی به بعد در هر طبقه‌ای | ترکمن |
| ۶-۳ | باشماق | قسمتی از انتهای قی‌قچ روی دهان را می‌پوشاند | متناسب با رنگ قی‌قچ | روی پارچه ابریشمی نقش‌هایی به نام‌های بش‌نقیش، اوچ‌نقیش و... | ابریشمی در گذشته و امروزه پشمی، پنبه و کتان | زنان از شب عروسی به بعد در هر طبقه‌ای | ترکمن، ترک |
| ۷-۳ | کورتیه یا چیریی | به فرم کت برخلاف ظاهر یک سرپند | رنگ‌های زرد و سفید و قرمز | نقوش هندسی | ابریشم | زنان متأهل | ترکمن |
| ۸-۳ | تویی | به شکل حلقه‌ای و گرد | کرم و زرد پارچه روی آن قرار می‌گیرد برای پوشش آن چوب‌جارو ممکن رنگ‌های مختلف باشد. | نقوش، اسلیمی و نگین‌ها و امروزه طرحی ساده، استفاده از چوب‌ساخته و روی آن را با پارچه می‌پوشانند | امروزه بیشتر زیر قی‌قچ، یالق استفاده می‌شود | ترکمن | ترکمن |

نتیجه

از مقایسه سرپوش زنان گُرد، ترک و ترکمن شمال خراسان می‌توان نتیجه گرفت:

۱. سرپوش زنان هر سه قوم تنوع و زیبایی خاصی دارند و از سرپوش‌های چهارگوش یا مستطیل‌شکل و گاهی سه‌گوش استفاده می‌کنند.
۲. عرقچین مورد استفاده هر سه قوم است، فقط از نظر تزئینات و گاهی شکل ظاهری و دوخت با هم تفاوت دارد. گُردها به عرقچین گُم، ترک‌ها کولته و ترکمن‌ها بورک می‌گویند.
۳. گُردها و ترک‌ها از پارچه‌ای قرمز که نشانه شادی و نشاط است، برای روبند عروس‌ها استفاده می‌کنند.
۴. آلانگی (ویژه زنان متأهل) ظاهراً مخصوص زنان ترکمن است. یاشماق میان زنان ترک و ترکمن مشترک است. ظاهراً گُردها آن را به کار نمی‌برند.
۵. چرشو یا چادرشب مخصوص زنان ترک و گُرد است. در میان ترک‌ها، ترکیب‌بندی رنگ‌های آن نام‌های خاص دارد و به گروه‌های سنی متفاوتی اختصاص دارد. گُردهای منطقه لایین و کلات از چادرشب استفاده می‌کنند.
۶. رنگ‌های متنوع و شاد برای سرپوش توسط هر سه قوم استفاده می‌شود. زنان گُرد، ترک و ترکمن بیشتر از رنگ‌های سفید، زرد، سرخ و گاه سیاه، سبز، آبی و بنفش بهره می‌برند. رنگ سیاه زمینه سرپوش‌ها برای زیبا جلوه دادن طرح‌ها و نقش‌مایه‌هاست. در این میان رنگ قرمز که نشانه شادی است، مشترک و بیشتر استفاده می‌شود.
۷. هر سه قوم از پارچه‌هایی با جنس نخ، ابریشم و پشم، بسته به فصل سال، بهره می‌برند.
۸. نقش‌مایه‌های هندسی، اسلیمی، گل و گیاه در روسری و عرقچین زنان اقوام شمال خراسان دیده می‌شود. نقش طاووس و نقش‌های هندسی، بیشتر روی سرپوش

زنان کُرد است. همچنین پارچه‌های چهارخانه توسط زنان ترک کاربرد بیشتری دارد.

۹. سرپوش به طبقه خاص اجتماعی وابسته نیست؛ اما نقش و رنگ آن بر اساس سن پوشنده متفاوت است.

۱۰. سرپوش زنان ترکمن ویژگی خاصی دارد؛ مجرد و متأهل بودن در آن نقش مهمی دارد. سرپوش آن‌ها تفاوت بیشتری با اقوام دیگر دارد، به نظر می‌رسد تبرک، توپی؛ کورته خاص آن‌هاست.



پی‌نوشت‌ها

۱. اطلاع دقیقی از سرپوش زنان قوم تات به‌دست نیامد.
۲. واژه «گُرمانج» در شمال خراسان هم به چادرنشینان گُرمانج زبان و در مفهوم عام‌تر، به گُردهایی که گویش گُرمانجی دارند، اطلاق می‌شود.
۳. (Belis) مهمان خوش آمدید.
۴. گوشواره گُردی که روی گوش را می‌پوشاند (امیدی، ۱۳۸۲، ۸۶).
۵. بریوانلو یا بریمانلو یا بریکانلو، یکی از طوایف ایل زعفرانلو هستند که سرزمین اولیه آن‌ها گُردستان ترکیه، عراق و آذربایجان بوده‌است. در سال ۱۰۰۵ق. به دستور شاه‌عباس اول، گروهی از این طایفه به خوار و ورامین کوچ و از آنجا به خراسان منتقل و در دشت چناران و دره کلات اسکان داده شدند. قلمرو و محل استقرار این طایفه بجنورد، قوچان، شیروان و درگز است (رحمتی، ۱۳۹۶، ۳۴).
۶. عکس‌ها از نگارنده است.
۷. به‌جز عکس ۱-۵؛ ۱-۸ از خانم گلی شادکام، دیگر عکس‌ها از نگارنده است.
8. Ghes sevah
9. Yasmaq
10. Tutugh –uz Tutar
۱۱. به‌جز عکس ۱-۲؛ ۲-۶ از آقای روحانی، دیگر عکس‌ها از نگارنده است.
۱۲. ترکمن‌ها شش طایفه می‌شوند: گوگلان، یموت، تکه، ارسای، یازر و نخورلی. پس از انقلاب روسیه (۱۹۱۷م.) گروهی از ترکمن‌های آن ناحیه به نواحی ترکمن‌نشین ایران مهاجرت کردند (امیدی، ۱۳۸۱، ۱۸۴). ترکمن‌های یموت بیشتر در سواحل رود اترک و رود گرگان و... ساکن هستند.
۱۳. عکس از نگارنده.

منابع

کتاب‌ها

- اتین، جوهانز (۱۳۶۷). رنگ، ترجمه محمدحسین حلیمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- اشیپولر، برتولد (۱۳۷۹). تاریخ ایران در قرون نخستین، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- امیدی، ناهید (۱۳۸۲). دیده و دل و دست (پژوهشی در پوشاک و هنرهای سنتی خراسان)، مشهد: به‌نشر.
- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۹). ترکمن‌های ایران، تهران: پاسارگاد.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۷۱). کوچ‌نشینی در شمال خراسان، ترجمه اصغر کریمی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس چهانداری، تهران: خوارزمی.
- توّحّدی، کلیم‌الله (کانیمال) (۱۳۹۶). حرکت تاریخی کُرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران، مشهد: مولف.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۹۰). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران: دانشگاه الزهراء.
- رحمتی، علی (۱۳۹۶). بررسی و شناخت ایلات و طوایف در خراسان، بجنورد: بیژن یورد.
- رنج‌دوست، شبنم (۱۳۸۷). تاریخ لباس ایران، تهران: جمال هنر.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیار، ترجمه محمدعلی فره وش، تهران: امیرکبیر.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). احسن‌التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- سالاریان، اسماعیل (۱۳۹۸). نگاهی به فرهنگ ترکان خراسان: فولکلور ترکان خراسان، بجنورد: درج سخن.

- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۵). *مردمان ایران*، تهران: علم و زندگی.
- سلوکی، حوری (۱۳۸۵). *پوشاک محلی اقوام مختلف ایران*، رشت: شهریاران.
- شفرد، رانا و رابرت (۱۳۹۳). *هزار نماد در هنر و اسطوره شکل به چه معناست*، مترجمان آزاده بیداریخت و نسترن لواسانی، تهران: نی.
- قاجار، ناصرالدین شاه (۱۳۶۱). *سفرنامه خراسان بخط میرزا محمد رضا کلهر*، تهران: بابک.
- قلی‌زاده مزروجی، جلال (۱۳۹۰). *آشنایی با زبان ترکی خراسان*، مشهد: دامینه.
- کارری، جملی (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*، ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالله کارنگ، نشر اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۸). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کوپر، جی، سی (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.
- گلی، امین (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها*، تهران: علم.
- گرترو، جابز (۱۳۹۵). *فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور*، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: اختران.
- لوگاشوا، بی‌بی رایعه (۱۳۵۹). *ترکمن‌های ایران (پژوهش تاریخی - مردم‌شناسی)*، ترجمه سیروس ایزدی، حسین تحویلی، تهران: شباهنگ.
- مجدی، علی‌اکبر؛ عربی، نسرین و شادکام، گلی (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی ایلات و عشایر*، مشهد: خانه علوم تربیتی.
- محمدی، رامونا (۱۳۸۸). *پوشاک و زیورآلات مردم ترکمن*، تهران: جمال هنر.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۳). *تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مک گرگر، کنل سی.ام. (۱۳۶۶). *سفری به ایالت خراسان*، ترجمه مجید مهدی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.

- مینیا، علی (۱۳۸۱). *نگاهی به فرهنگ عامه مردم خراسان: جغرافیای خراسان، مشاغل مردم...*، مشهد: سخن گستر.
- وطن دوست، سارا (۱۳۹۴). *پوشاک و زیورآلات عشایر گرمناج خراسان*، قم: عمو علوی.
- یآوری، حسین و سرخوش، شیدا (۱۳۸۹). *آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران*، تهران: سیمای دانش.
- یوسف‌زاده، آمنه (۱۳۸۸). *رامشگران شمال خراسان*، تهران: موسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور.
- بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). *سفرنامه خراسان و سیستان*، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.

مقاله‌ها

- ابوالقاسمی، علی و ذکرتی، سرور (۱۳۹۷). بررسی وام واژه‌های ترکی خاص گویش فارسی همدانی، *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ۴(۴)، ۱-۱۵.
- رستمی، مصطفی و میر، طاهره (۱۳۹۸). تاثیر عقیده‌ها و باورهای دینی بر آرایه‌های زیور آلات ترکمنی، *هنرهای حوزه کاسپین*، ۱(۱)، ۸۷-۱۰۵.
- سیف‌علی، سمیرا و فهیمی‌فر، اصغر (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تحولات اجتماعی بر تن‌پوش صفویان (۹۰۷-۱۱۳۵ق) در آینه نگاره‌ها، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۹(۱۷)، ۹۳-۱۲۲.
- شعبانی مقدم، عادل و دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۵). شالبافی در جامعه ایران؛ بررسی تحولات تجارت شال در عصر قاجار (۱۲۰۹-۱۳۴۴ق/۱۷۹۵-۱۹۲۵م)، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۷(۱۳)، ۸۱-۱۱۰.
- کاظم‌پور، داریوش و سلیمانی، محسن (۱۳۹۱). مطالعه نقوش دست‌بافته‌های خراسان شمالی و استفاده از آن‌ها در طراحی نشانه، *گلجام*، ۸(۲۱)، ۴۵-۶۴.
- کروی، آرزو و فیاض‌انوش، ابوالحسن (۱۳۹۵). بررسی تاریخی پوشاک زنان در دوره ایلخانان (۷۳۶-۶۵۴ق)، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۷(۱۳)، ۱۶۱-۱۸۹.

پایان نامه

- لامی، فهیمه (۱۳۹۴). *مطالعه مردم‌شناختی لباس سنتی زنان روستای لایین نو در دوران معاصر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مشهد.
- مصلحی جویباری، فاطمه (۱۳۹۷). *قوم ترکمن و بررسی نقوش پوشاک و زیورآلات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، گروه هنر.

مصاحبه‌ها

- اسپونتن‌فرد، ناهید حسن (۸ اسفند ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، فرهنگی.
- ایزانلو، محمدعلی (۳ اردیبهشت ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، فروشنده لباس‌های سنتی کُردی، در زمینه پوشاک کُرد.
- جواهری، سکینه (۱۳ آبان ۱۴۰۰)، مصاحبه، خانه‌دار.
- حصاری، مریم (۱۲ مهر ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، دانشگاه فرهنگیان.
- روحانی، عبدالناصر (۱۲ دی ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، دبیر و پژوهشگر پوشاک ترک خراسان.
- شادکام، ریزه‌گل (۲ آبان ۱۴۰۰)، مصاحبه، بجنورد، خانه‌دار.
- شادکام، گلی (۱۵ مهر ۱۳۹۸)، مصاحبه، مشهد، پژوهشگر لباس‌های سنتی کُرمانج.
- عابدی، زینت (۵ آذر ۱۴۰۱)، مصاحبه، بجنورد، دبیر و پژوهش در زمینه مطالعه نقش‌مایه‌های پوشاک اقوام شمال شرق ایران؛ نمونه موردی قوم کُرمانج خراسان شمالی
- کوهستانی اسبق سو، علی (۵ آذر ۱۳۹۸)، مصاحبه، بجنورد، فرهنگی.